



پایتخت عطش

چرا نمایش فیلم‌های خارجی در جشنواره فجر دهه‌های ۶۰ و ۷۰، مهم و تأثیرگذار بود

گزارش

ناهدید پیشور

روزنامه نگار

صفت بین‌المللی بودن جشنواره فیلم فجر را چقدر می‌توان جدی گرفت؟ در پاسخ به این پرسش معمولاً پای قیاس فجر با فستیوال‌های مهم دنیا به میان می‌آید و از دل این قیاس هم اغلب این نتیجه حاصل می‌شود که فیلم فجر همه اهمیت و ارزش را مدیون نمایش فیلم‌های مهم سینمای ایران است نه حضور فیلم‌های خارجی؛ جشنواره‌ای که سال‌ها چه در دهه ۶۰ و چه در دهه ۹۰ صفت بین‌المللی بودن را از پیشانی‌اش زده‌ی بی‌آنکه آسیبی به آن وارد شود. اینکه بدیهیات حضور فیلم‌های خارجی در جشنواره فجر رعایت نشده یا کمتر رعایت شده و از میانه‌های دهه ۹۰ تا همین پارسال تن به جدایی بخش بین‌الملل و برگزاری جشنواره‌های مستقل در فصل بهار داده بود و تصمیم به بازگشت بخش بین‌الملل و تعطیلی جشنواره جهانی فجر، کمتر با استقبال مواجه شده است همه اینها حکم به داخلی بودن رخدادی می‌دهند که بیشتر قلب تپنده سینمای ایران بوده تا ضیافتی برای حضور بهترین‌های سینمای جهان. می‌شود به این نکته هم اشاره کرد که تجربه تماشای فیلم بر پرده بزرگ سینما برای سینماورها با فیلم ایرانی انس و الفت دیرینه داشته و سال‌هاست که عملاً فیلم خارجی در اکران داخلی با اقبال عمومی مواجه نشده و علاقه‌مندان پیگیر سینمای جهان، جایی جز پرده نقره‌ای را برای رسیدن به دلمشغولی‌هایشان دنبال می‌کنند و در عصر دسترسی آسان به هر محصولی که متعلق به آن سوی آب‌هاست کسی منتظر فیلم فجر این سال معنا می‌دهند و اگر به دهه‌های گذشته رجوع کنیم با تصویری کاملاً متفاوت از اقبال مخاطب فجر نسبت به محصولات سینمای جهان مواجه می‌شویم. آنچه موضوع این نوشته است هم دقیقاً مرتبط به دورانی است که دست‌کم یک دهه به طول انجامید. برای بازخوانی تاریخ هم باید همه چیز را از ابتدا آغاز کرد و در پیرو رانه از منظر امروز که در مناسبات زمانه‌اش بررسی و واکاوی کرد. اینکه چرا و چگونه و در چه زمانی نمایش فیلم‌های خارجی در جشنواره فجر اتفاقی مهم و تأثیرگذار بود و در شکل دادن سلیقه سینمایی طیفی متنوع و متکثر که هم شامل سینماورها بود و هم سینماگران، به‌صورتی جدی ایفای نقش می‌کرد. اینکه چگونه روزگاری تهران در بهمن‌ماه و موعود برگزاری جشنواره فیلم فجر به پایتخت عطش تبدیل می‌شد و بخش قابل توجهی از شور و اشتیاق دوستداران سینما و جشنواره با تماشای فیلم‌های خارجی برآورده می‌شد.



سینما عصر جدید، انقضا جشنواره فیلم فجر بهمن ۱۳۳۷

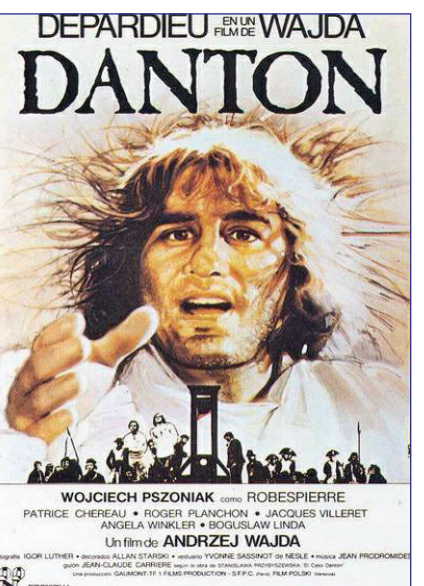
نقش مهم ادبیات سینمایی



در سال‌هایی که نه خبری از زیر نویس فارسی فیلم‌ها بود و نه منابع چندانی در دسترس مخاطبان قرار داشت که درباره فیلم‌ها و فیلمسازان اطلاعات کسب کنند، ادبیات سینمایی نقش مؤثری در این زمینه ایفا می‌کرد. ماهنامه فیلم به‌عنوان تنها نشریه سینمایی موجود تا سال‌ها یکی از مهم‌ترین منابع برای تماشاگران جشنواره بود. در شماره ویژه جشنواره ماهنامه فیلم مطالب مفید و قابل استنادی درباره فیلم‌های جشنواره منتشر می‌شد و در مورد فیلم‌های خارجی این مطالب و مقالات معمولاً با نقدهای روشنگری همراه بود. در نیمه دوم دهه ۶۰ همزمان با برگزاری جشنواره، کتاب‌های سینمایی مرتبط با بخش‌های جنبی و مرور منتشر می‌شد. از کتاب‌های تارکوفسکی و پاراجانف که ماهنامه فیلم منتشر کرد تا انتشار همزمان چند کتاب درباره یاسوجیرو آزو که همزمان با برگزاری بخش مرور آثارش در جشنواره منتشر شد. سال‌ها مخاطبان بین‌الملل جشنواره فیلم فجر از مخاطبان جدی نشریات و کتاب‌های سینمایی بودند؛ سال‌هایی که کتاب‌های سینمایی با عناوینی کمتر از امروز منتشر می‌شد، ولی خواننده و تیراژ بالاتری داشت.

پلان ۲

از کلاسیک‌ها تا محصولات جدید



یکی از ویژگی‌های جشنواره فیلم فجر در دهه‌های ۶۰ و ۷۰، نمایش فیلم‌های مهم تاریخ سینما بود. در آن سال‌ها تقریباً همه آن چیزی که در آرشیو فیلمخانه ملی وجود داشت به جشنواره می‌آمد و در ادوار مختلف روی پرده می‌رفت. سال‌هایی که فیلم‌های صامت و آثار پیشگامان سینما، مانند فیلم‌های گریفیت و ایزنشتاین در جشنواره فجر مخاطب پیگیر داشت. کنار آثار قدیمی، در بخش جشنواره جشنواره‌ها، جدیدترین فیلم‌های سینمای جهان که برگزیده فستیوال‌های معتبر بودند هم به نمایش درمی‌آمدند. در واقع در بسته پیشنهادی جشنواره هم فیلم کلاسیک وجود داشت و هم فیلم‌های متاخر سینمای جهان؛ فیلم‌هایی که تماشاگران روی پرده بزرگ سینما فرصت متنعم و باارزشی بود. در ۲۰ دهه اول برگزاری جشنواره فیلم فجر، فیلم‌های خارجی معمولاً با استقبال مواجه می‌شدند.

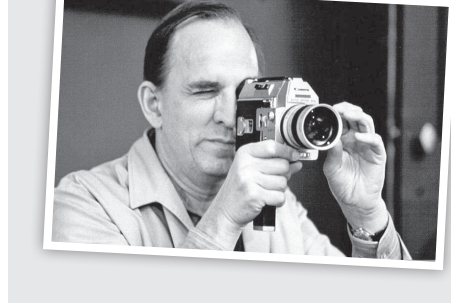
پلان ۳

فیلم‌های تکراری، عناوین تازه

تنوع نمایش فیلم‌های خارجی در جشنواره‌های دهه ۷۰ بیشتر از گذشته شده بود ولی در عین گسترده‌گی شاهد تکرار نمایش کلاسیک‌ها با عناوین تازه هم بودیم. فیلم‌هایی که از جشنواره‌ای به جشنواره دیگر می‌آمدند. مثلاً نیبی از فیلم‌های بزرگداشت و تشریح میفونه در دوره پانزدهم را آثار کوروساوا تشکیل می‌دادند که پیش از آن بارها به نمایش درآمده بودند. با این همه غافلگیری‌هایی هم در کار بود مثل نمایش ۷ فیلم از کنج میزو گوچی در دوره سیزدهم که روی پرده رفتن «اوگوستو مونوگاتاری» و «سانشوی مباشر» از این جشنواره در یادها ماند؛ همچنان که خاطره تماشای «پول توجیبی» فرانسوا تروفو و «شما فقط یک‌بار زندگی می‌کنید» فریتس لانگ در همین جشنواره و «مجموعه انیمیشن‌های استودیو آزدمن» در دوره پانزدهم.

شرق، ایمان به فرجام نیک غرب، تردید و سرگشتگی

در ابتدای دهه ۷۰ و در دهمین جشنواره فیلم فجر بخش پر و پیمان «استادان خاموش سینمای فرانسه» ضیافتی برای تماشای «قاعده بازی» ژان نوزار، «روز جشن» ژاک تاتی، «ورقه» ژان کوکتسو و «کلاه» ژان پیر ملویل بود. اتفاق مهم‌تر مرور آثار ۲ کارگردان بزرگ با ۲ عنوان عجیب بود: «آکیرا کوراساوا، شرق، ایمان به فرجام نیک» و «نیگمار برگمان، غرب، تردید و سرگشتگی». اگر «هفت سامورایی»، «یوجیمبو» و «ریش قرمز» از کوروساوا قبلاً از تلویزیون پخش شده بودند، در عوض خیلی‌ها برای نخستین بار در این فستیوال بخت تماشای «مهر هفتم»، «توت فرنگی‌های وحشی»، «همچون در یک آینه» و «سونتا پاییزی» برگمان را یافتند.



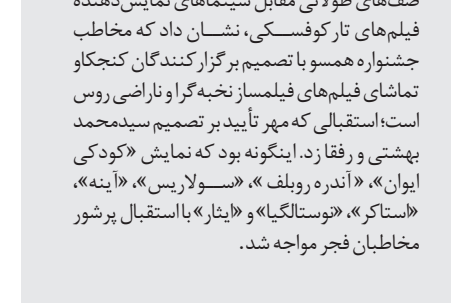
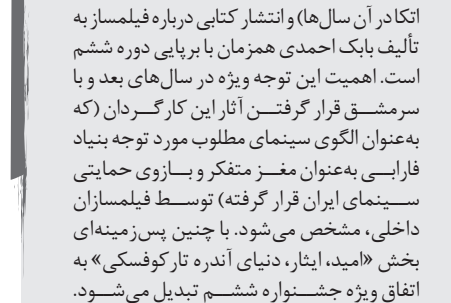
پلان ۴

فرزیدیه مان، کریشتف کیشلوفسکی



بیا و بنگر

بعد از ۲ دوره غیبت سینمای جهان در فیلم فجر، در دوره چهارم برگزار کنندگان جشنواره به بازگشت فیلم خارجی در بخش‌های جنبی رضایت می‌دهند. در بهمن ۱۳۶۴ نمایش فیلم «راه» یلمار گونی که به تازگی نخل طلای کن را برده بود در بخش چشم‌انداز سینمای آسیا، یک اتفاق مهم برای دوستداران سینما بود. «راه» فیلم محبوب طیفی از منتقدان دهه ۱۳۶۰ که هنوز وفادار به تعهد اجتماعی بودند، نخستین بار در این جشنواره دیده شد. کنارش باید به چند فیلم مهم بخش «نمایش‌های ویژه» اشاره کرد که به علایق دوستداران سینمای هنری اروپا پاسخ می‌داد؛ از «سه برادر» فرانچسکو زری و «پدر سالار» برادران تاوینا تا «مرد آهنین» آندره وایدا و «فیتز کارلدو» ورنر هر تسوگ. در فاصله بهمن ۱۳۶۱ تا بهمن ۱۳۶۴ فعالیت ویدئو کلوب‌ها ممنوع و امکان تماشای فیلم خارجی محدود شده بود و دیدن هر محصول متفاوتی از آنچه در دایره اکران عمومی قرار داشت، حکم درجه‌ای به سینمای جهان را داشت. یک سال بعد و در جشنواره پنجم، بخش «نمایش‌های ویژه» با حضور فیلم‌هایی چون «قلب» لوییجی کومچنچی، «۱۹۸۴» مایکل ردفور، «دانتون» آندره وایدا و «بیا و بنگر» الم کلیوف باسختگی بخشی از علش دوستداران سینمای جهان بود.



پلان ۵

برای تمام فصول

در نیمه دوم دهه ۷۰، دسترسی به فیلم خارجی آسان‌تر از دهه ۶۰ شده بود و دسترسی به کاست و تکرار بر ممال می‌افزود ولی مرور آثار فرد زینه‌مان، کریشتف کیشلوفسکی (جشنواره شانزدهم)، فرانچسکو زری و کنستانتین کوستا گاوراس (جشنواره هجدهم)، برگ برنده‌های فجر برای علاقه‌مندان سینما بود. فیلم فجر در این سال‌ها با «آدم‌های نازنین» جاسمین دیزدار، «امپراتور و آدم‌کش» چن کایگه، «مسیر سبز» فرانک دارابونت، «از شکلات شما مشترک» کلود شاربول و «ای برادر کجایی» برادران کوئن هم شور می‌آفرید. در سال‌های بعد نمایش «گوستداگ» جیم جارموش و «بیل را بکش» کونتین تارتینو هم گرم و پرشور و تجربه تماشای فیلم‌ها بر پرده بزرگ سینما همچنان جالب توجه بود. به دهه ۸۰ رسیده بودیم به آخرین سال‌هایی که نمایش فیلم خارجی، گاهی با اقبال مواجه می‌شد ولی بیشتر اوقات سال‌های نمایش‌دهنده خالی یا نیمه خالی بودند. دوران دیگری آغاز شده بود و دیگر خبری از صف‌های طولانی مقابل سینما عصر جدید نبود و طولی نکشید که عصر جدید دیگر میزبان فیلم‌های جشنواره فجر نبود. عصر تازه‌ای آغاز شده بود. عصر دی‌وی‌دی و بلوری و اینترنت و سینمای خانگی و دیگر کسی به امید کشف هنری‌سازی از لهستان یا به شوق تماشای فیلمی از استادان کلاسیک به جشنواره فجر نمی‌آمد. در این فاصله نسل‌ها هم عوض شده بودند و تماشاگر پیگیر فیلم خارجی بین و مجله فیلم‌خوان دهه ۶۰، جای خود را به بچه‌های نسل اینترنت داده بود؛ نسلی که اصلاً عادت و اطمینانی به تماشای فیلم خارجی روی پرده سینما نداشت. و احتمالاً نقل‌خاطر جمعیت مشتاقی که مقابل شهر قصه زیر پرز سنگین در صف تماشای «ناگهان بالاتر» روبر برسون ایستاده بود را هم می‌گذاشت به حساب افسانه‌های دهه ۶۰ و بی‌اعتناز کنارش می‌گذشت.



فرداد خورشید، «وینتور و کلبیوف»

معجزه در تهران

نخستین جشنواره فیلم فجر گرچه برگزیده‌ای در بخش فیلم‌های بلند نداشت ولی برای نخستین و آخرین بار فیلم‌های ایرانی در کنار فیلم‌های خارجی در بخش مسابقه قرار گرفتند و از ۲۱ فیلم بخش مسابقه فقط ۵ فیلم ایرانی بودند. ترکیب فیلم‌های خارجی بخش مسابقه را هم اغلب آثاری از اردوگاه شرق تشکیل می‌دادند؛ از فیلم‌های روسی و چینی تا آثار اروپای شرقی مثل «الینت فابیان به‌سوی خدا می‌رود» ساخته زلتان فابری فیلمساز شهیر مجاری. اختصاص ۲ بخش «چشم‌انداز سینمای کوبا» و «سرخ بوستان و سیاه بوستان در سینما» منطبق با حال و هوای روز جامعه انقلابی ابتدای دهه ۱۳۶۰ بود و طبعاً مخاطبانی هم داشت. اما دستاورد مهم نخستین جشنواره فیلم فجر برای دوستداران جدی سینما بخش «سینمای ایتالیا از نئورالیسم تا امروز» بود. ضیافتی برای نمایش تعدادی از مهم‌ترین فیلم‌های تاریخ سینما با فهرست پر و پیمانی که از «م شهر بی دفاع» و «آلمان سال صفر» و «ترال دلا رووره» روبر توروسلینی و «دزد دوچرخه» و «معجزه در میلان» و «وینتور و کلبیوف» «سالواتوره جولیانو» و «دست‌ها روی شهر» فرانچسکو زری و «برادر خورشید، خواهر ماه» فرانکو زفیرلی را شامل می‌شد.

بسته پیشنهادی جذاب برگزار کنندگان دوره اول برای دوستداران سینمای هنری اروپا بود که تماشاگر هدف خود را بیشتر از میان مخاطبان کانون فیلم تعطیل شده و دانشجویان و روزنامه نگاران جست‌وجو می‌کرد. فراموش نکنیم که در مقطع برگزاری نخستین دوره جشنواره فیلم فجر، هنوز اکران فیلم خارجی در شمایلی متنوع و گسترده جریان داشت و فیلم‌هایی چون «جاده» فدریکو فلینی و «بئرد الجزیره» جیلو پونته کوروو حاضر در بخش سینمای ایتالیا از نئورالیسم تا امروز) یا «پاچی» و «راست‌الد ریچ» (به نمایش درآمده در بخش سرخ بوستان و سیاه بوستان در سینما) پیش‌تر روی پرده سینماها آمده و اکران عمومی شده بودند.